

آندره موروا
تا زمانی که انسان گمان می کند وجودش می تواند برای جلوگیری از خطا و اشتباه مفید باشد، باید در پست خود باقی بماند

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزبانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزبانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزبانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

f in t www.azizibank.af 1515

رییس شورای علما:

با دشمن بی رحم، مکار و غدار طرف هستیم



سالیاد پناه خان شهید

با یادداشتی از قهرمان ملی

از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

«خدا پناه خان را زنده داشته باشد» عبارتی است از احمدشاه مسعود در مورد نقش و جایگاه این فرمانده فداکار، رادمرد پاکباز، از خودگذر و با ایمان.

جنرال پناه خان، مرد روزهای بد، آماده هر جبهه و هر زمان و فاتح هر جنگ و هر سنگر بود. قوماندان پناه از تبار جهادگران مومن، آشنانام خانواده جهاد و مقاومت در سه دهه می باشد و این نام برای همیشه جاویدانه خواهد ماند.

به روح پناه شهید و همه شهدای افغانستان دعا می کنم و با خانواده محترم شان، وابسته گان و عزیزان شان همدلی و همدردی عمیق داریم.

این هم فشرده یادداشت شهید مسعود:

«من یکی دو روز قبل برای پناه خان احوال دادم تا به هر طریقی که شده عملیات در سالنگ را شروع کند. وی آماده گی خود را برای امروز نشان داد. بدین ترتیب اگر خدا بخواهد و قومندان را زنده داشته باشد، با انجام عملیات در سالنگ آتش دشمن ضعیف تر خواهد شد و دشمن هم تحت فشار زیادی قرار خواهد گرفت.»

صفحه ۶



بلخی:

کدوالی یوه گډه
نړیوال مدیریت
ته اړتیا لري

صفحه ۶



هیأت حقیقت یاب سنا:

مسوولان
شفاخانه ۴۰۰ بستر
همکاری نکردند

صفحه ۶

گلبدین

همچنان در پی امتیازگیری

صفحه ۲



آگاهان:

تغییر راهبرد نظامی
امریکا امیدبخش
است

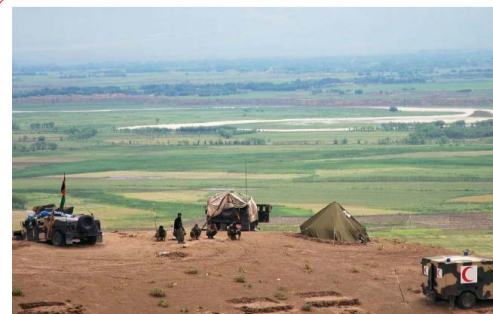
صفحه ۳

واژه «افغان» و بحران هویت ملی

صفحه ۴

نماینده گان بغلان:

غفلت نیروهای
امنیتی در بغلان
موجب تقویت
طالبان شده است



صفحه ۳

گلبدین همچنان در پی امتیازگیری



مجرمین جنگی و جنایی را از زندان‌ها رها سازد. اگر چنین باشد، پس دولت افغانستان چگونه می‌تواند التزام خود را به عدالت نشان دهد؟

در سال‌های گذشته نیز دولت و رهبران آن دچار چنین خبط بزرگی شدند که شماری از اعضای گروه طالبان را که عملاً از جبهات جنگ بازداشت شده بودند، به‌خاطر حسن نیت و یا هدف‌های سیاسی و قومی از زندان‌ها رها کردند که عملاً نه تنها به نفع صلح و امنیت تمام نشد، بل آزادی این افراد به صلح و امنیت صدمه وارد کرد. هنوز آقای کرزی رئیس جمهوری پیشین با این انتقاد نهادها و شهروندان کشور روبه‌روست که دستور به رهایی کسانی داد که بعداً دوباره به جبهه‌های جنگ پیوستند و به کشتار غیرنظامیان پرداختند. اکنون آقای حکمتیار چگونه می‌تواند ضمانت کند که افراد رها شده دوباره به جبهه‌های جنگ بر نمی‌گردند؟

سوم این‌که وقتی نماینده‌گان حزب اسلامی، امضای توافق‌نامه صلح با این حزب را یک دستاورد کم‌نظیر در جهت صلح و امنیت کشور و نامود می‌کنند، این توافق‌نامه چه تأثیری بر روند صلح و امنیت گذاشته که حالا با زیاده‌خواهی‌شان هر روز خواهان امتیازهای بیشتری می‌شوند؟ آقای حکمتیار مثل برخی از رهبران جهادی کارنامه مشخص خود را دارد و از هیچ رهبر دیگری نه برتری دارد و نه هم می‌تواند مدعی کمال و برتری باشد، کما این‌که انتقادهای شدیدی هم نسبت به کارنامه او در سال‌های جهاد و پس از آن وجود دارد. حالا با توجه به این وضعیت، حزب اسلامی چگونه هر روز با امتیازخواهی‌های بیشتری، خود را مطرح می‌کند؟ آیا در پس این خواست‌ها، این نگرانی نمی‌تواند پُررنگ باشد که حزب اسلامی و رهبر آن، از بودن در فضای جمعی و همه‌گانی می‌هراسد؟

که می‌تواند با حضور آقای حکمتیار به دست آید، دنبال کنند. این‌که نماینده‌گان حزب اسلامی آمدن رهبر این حزب را منوط به رهایی زندانیان می‌کنند، چه مبنایی دارد و آیا با رهایی شماری از افراد زندانی که منسوب به این حزب هستند، واقعا رهبر حزب اسلامی به کابل خواهد آمد؟

این‌جا چند مسأله اساسی وجود دارد که نباید به‌سادگی از کنار آن‌ها گذشت: نخست این‌که از کجا معلوم افرادی را که حزب اسلامی مدعی است که عضویت این حزب را دارند، واقعا اعضای آن باشند. طی سال‌های اخیر، بسیاری از جنگ‌جویانی که در افغانستان مشغول نبرد اند، تغییر جبهه و موضع داده و گاهی از این گروه به آن گروه و گاهی از این حزب به آن حزب دیگر پیوسته‌اند. در افغانستان که آمار رسمی از جمعیت آن وجود ندارد، بسیار مشکل خواهد بود که شمار طرفداران و یا اعضای یک حزب سیاسی را مشخص کرد. هرچند در این خصوص، وزارت عدلیه کشور لایحه خاصی دارد و احزابی را که تازه تأسیس می‌شوند، مکلف می‌سازد که شمار حداقلی اعضای خود را ثبت کنند؛ اما با این‌هم هنوز نمی‌توان به قاطعیت اعلام کرد که احزاب سیاسی موجود دارای چه تعداد عضو اند. گاهی این نگرانی می‌تواند جدی باشد که حزب اسلامی، افرادی را به عنوان اعضای این حزب معرفی کند که در زندان‌های افغانستان به سر می‌برند و هیچ تعلق به این حزب نداشته‌اند!

دوم این‌که بر اساس قوانین نافذ کشور، هیچ‌کس در افغانستان به دلیل داشتن عقاید سیاسی زندانی نمی‌شود. تنها کسانی به زندان محکوم می‌شوند که متهم به جرایم جنایی و یا تروریستی باشند. این افراد نیز وقتی زندانی می‌شوند که بر اساس قوانین از سوی محاکم کشور مجرم شناخته شده باشند. هیچ فرد و یا رهبر حزبی حق ندارد که

در سال‌های گذشته نیز دولت و رهبران آن دچار چنین خبط بزرگی شدند که شماری از اعضای گروه طالبان را که عملاً از جبهات جنگ بازداشت شده بودند، به‌خاطر حسن نیت و یا هدف‌های سیاسی و قومی از زندان‌ها رها کردند که عملاً نه تنها به نفع صلح و امنیت تمام نشد، بل آزادی این افراد به صلح و امنیت صدمه وارد کرد. هنوز آقای کرزی رئیس جمهوری پیشین با این انتقاد نهادها و شهروندان کشور روبه‌روست که دستور به رهایی کسانی داد که بعداً دوباره به جبهه‌های جنگ پیوستند و به کشتار غیرنظامیان پرداختند. اکنون آقای حکمتیار چگونه می‌تواند ضمانت کند که افراد رها شده دوباره به جبهه‌های جنگ بر نمی‌گردند؟

برخی منابع حزب اسلامی شاخه گلبدین حکمتیار گفته‌اند که آمدن رهبر این حزب به کابل، منوط به رهایی زندانیان حزب اسلامی از زندان‌های دولت است. پیش از این، گفته می‌شد که نام آقای حکمتیار حتی اگر از فهرست سیاه سازمان ملل نیز حذف نشود، رهبر این حزب به کابل خواهد آمد و او نیازی نمی‌بیند که برای وارد شدن به کشورش، از کسی اجازه دریافت کند.

از امضای توافق‌نامه صلح دولت با آقای حکمتیار حدود ۵ ماه می‌گذرد و آمدن رهبر این حزب به کابل، همواره به دلایل مختلف به تأخیر می‌افتد. حالا هم مشخص نیست که آقای حکمتیار چه زمانی حاضر خواهد شد که وارد کابل شود. نماینده‌گان حزب اسلامی در کابل گاهی دولت را متهم می‌کنند که به تعهدات خود بر اساس توافق‌نامه صلح پای‌بند نبوده و گاهی مدعی می‌شوند که کسانی خواهان حضور آقای حکمتیار در کابل نیستند و برای عدم ورودش مانع‌تراشی می‌کنند.

این نماینده‌گان اما هیچ‌گاهی به صورت روشن از چنین افراد و یا گروه‌هایی نام نمی‌برند و در مورد عدم پای‌بندی دولت به تعهداتش نیز سند دقیقی در اختیار ندارند. آن‌چه که تا به حال مشخص شده این است که دولت و به ویژه ارگ ریاست جمهوری با تمام توش و توان تلاش ورزیدند که آقای حکمتیار را وارد کشور سازند و زیر نام توافق‌نامه صلح با این حزب، هدف‌های سیاسی خود را

سخن ماندگار

باید ریس جمهور اراده کند

معمولاً در دیگر کشورهای جهان، تکرار و یادآوری مشکلات و ضعف‌ها به حل احسن آن‌ها یاری می‌رساند؛ اما این قاعده در افغانستان و به‌ویژه برای مسوولان نظام، تا کنون نتیجه عکس داده و نوعی معافیت و ناشنوایی را برای آن‌ها به‌بار نشانده است. ناامنی و ضعف ساختاری و استراتژیک اندام‌های امنیتی ما، همواره یکی از حرف‌ها و درد دل‌های جامعه افغانستان به سران حکومت بوده و انتظار می‌رفته این تکرار، تکراری احسن برای برای گشایش بهتر مشکلات باشد. ولی در واقعیت امر، وقایع سهمگین امنیتی سال‌های اخیر، انتقادها و پیشنهادهای داغ فضای عمومی و سرتیری‌ها و سرسری برخورد کردن‌های حکومت، نشان داده که گره مسایل امنیتی و حرف‌ناشنوی از مردم را نه در هیچ جای دیگر، بلکه در سطوح عالی حکومت باید جست‌وجو و بازگشایی کرد.

حمله تراژدیک تروریستان به شفاخانه چهارصد بستر، یک بار دیگر از وجود این گره و فروبسته‌گی در درون حکومت پرده برداشت و ما را به این نکته ملفت و متیقن کرد که برای حل مسایل مصیبت‌بار امنیتی، باید به اصلاح حکومت و به عبارتی، به اصلاح ساختارهای امنیتی آن‌هم به‌صورت سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه پرداخت.

مسئله همه مردم و کارشناسان نظامی، گره ناامنی‌های فزاینده را در درون ساختارهای امنیتی و در قالب دو مشکل عمده ضعف مدیریت و نفوذ ستون پنجم می‌دانند و برای رفع این معضل، بر گزینش مدیران قوی و متعهد و به تعقیب آن، تدوین دکترین و استراتژی نظامی عالمانه و تصفیه ارگان‌های امنیتی از عناصر مشکوک یا وابسته به دشمن تأکید می‌کنند. به زبان ساده و شفاف، یعنی در موجودیت وزرا و رؤسای امنیتی سالخورده خواب‌برده و یا در موجودیت افسران و صاحب‌منصبان سرسپرده یا متمایل به دشمن، آتش انتحار و انفجار و فاجعه در کابل و تمام ولایات داغ داغ خواهد ماند. اما برای رفع این چالش و انجام این اصلاحات بنیادی، همراهی و همکاری صادقانه آقای غنی، شرط نخست و حتمی است. چرا که در نظام ریاستی موجود، رئیس جمهور چشمه تمام کارها و برنامه‌هاست و زلالی همه امور، منوط به زلالی نیت و رفتار اوست.

بنابراین، ما بدون تعارف، امنیت و آرامش جامعه را از آقای غنی می‌طلبیم و به او می‌گوییم: اگر نیت او در قبال افغانستان و تمام مردمش پاک است، حوادثی به بزرگی چهارصد بستر کافی ست تا تصمیمی به بزرگی اصلاحات عمیق و ریشه‌پی در سکتورهای امنیتی دولت گرفته شود. اما یقیناً ایجاد پست‌های فرمایشی و عاری از صلاحیت اجرایی، اصلاح بنیادی نه که اغوای بنیادی نداشته می‌شود. اگر غیر از این است: اولاً باید مسوولان نهادهای امنیتی به‌ویژه وزارت دفاع کنار گذاشته شوند؛ ثانیاً مدیران امنیتی متعهد و کارا با برنامه‌های جدید به کار گماشته شوند و شخص رئیس جمهور با اعطای صلاحیت‌های قانونی به آن‌ها، پروسه اصلاحات بنیادین در سکتورهای امنیتی توسط مدیران جدید را حمایت و تقویت کند. هم‌اکنون نهادهای امنیتی در اختیار اشخاص ناکارآمد قرار گرفته و برخی حلقه‌های مافیایی و پروژه‌گیر نیز از درون و بیرون آن‌ها تمام ظرفیت‌های دفاعی ما را به لیلام گذاشته‌اند، ستون پنجم نیز دقیق در موجودیت چنین اشخاص و حلقاتی، تا عمق ساختارهای نظامی ما نفوذ کرده و فاجعه‌هایی نظیر شفاخانه ۴۰۰ بستر را خلق می‌کند. شورای ملی کشور می‌باید با تحلیل دقیق اوضاع امنیتی، رئیس جمهوری را وادار به تطبیق پروسه اصلاحات بنیادی در نهادهای امنیتی ساخته و این مهم را تا منزل مقصود تعقیب کند. در غیر آن، سریال انفجار و ترور و ناامنی تا تباهی کامل کشور ادامه خواهد یافت.

نمایندگان بغلان:

غفلت نیروهای امنیتی در بغلان موجب تقویت طالبان شده است

روح الله بهزاد

شده تا طالبان بغلان با طالبان کندز در ارتباط تنگاتنگ باشند. در دو بار سقوط ولایت کندز، طالبان بغلان به صورت فعالانه سهم داشتند و از این ولایت نیرو و تجهیزات به کندز می فرستادند.

این عضو مجلس با اشاره به گزارش های دست داشته اش از ولایت کندز مبنی بر ضربه خوردن طالبان از سوی نیروهای امنیتی، تأکید کرد: ما امیدوار هستیم که حکومت چنین عملیات ها و تحرک ها را در بغلان نیز به راه بیندازند.

آقای مهدی اظهارات فرمانده شمال را که گفته است، "طالبان در خانه های مردم جا گرفته اند و به همین دلیل عملیات ما به کندهای به پیش می رود، خیلی منطقی نمی داند و اظهار می دارد: "دشمن از هر حربه یی که به دستش بیاید، استفاده می کند. مسوولان امنیتی باید به مردم اعلام کنند که به دشمن در خانه های شان جا ندهند و یا در زمان عملیات از خانه های شان بیرون روند. باور ما این است، در خانه هایی که طالبان جا می گیرند، اکثر آن خانواده ها خودشان طالب و یا طرفدار طالبان هستند و باید با اطلاعات دقیق استخباراتی با همان خانه ها یکجا بمباران شوند."

او از حکومت مرکزی می خواهد تا به بحران بغلان با تصمیم قاطع و یک عملیات برق آسا، نقطه پایان بگذارد و لسوالی دهنه غوری را از اسارت طالبان بیرون بکشد.

از سویی هم، محمد ظریف ظریف، عضو شورای ولایتی بغلان در گفت و گو با روزنامه ماندگار می گوید، وضعیت امنیتی در ولایت بغلان شکننده است، به ویژه لسوالی های

نمایندگان مردم بغلان در مجلس و اعضای شورای ولایتی این ولایت به روزنامه ماندگار می گویند، اکثر لسوالی های بغلان زیر تهدید مخالفان مسلح دولت است که از این میان، دهنه غوری از یکسال به این سو، به گونه کامل در تصرف طالبان قرار دارد.

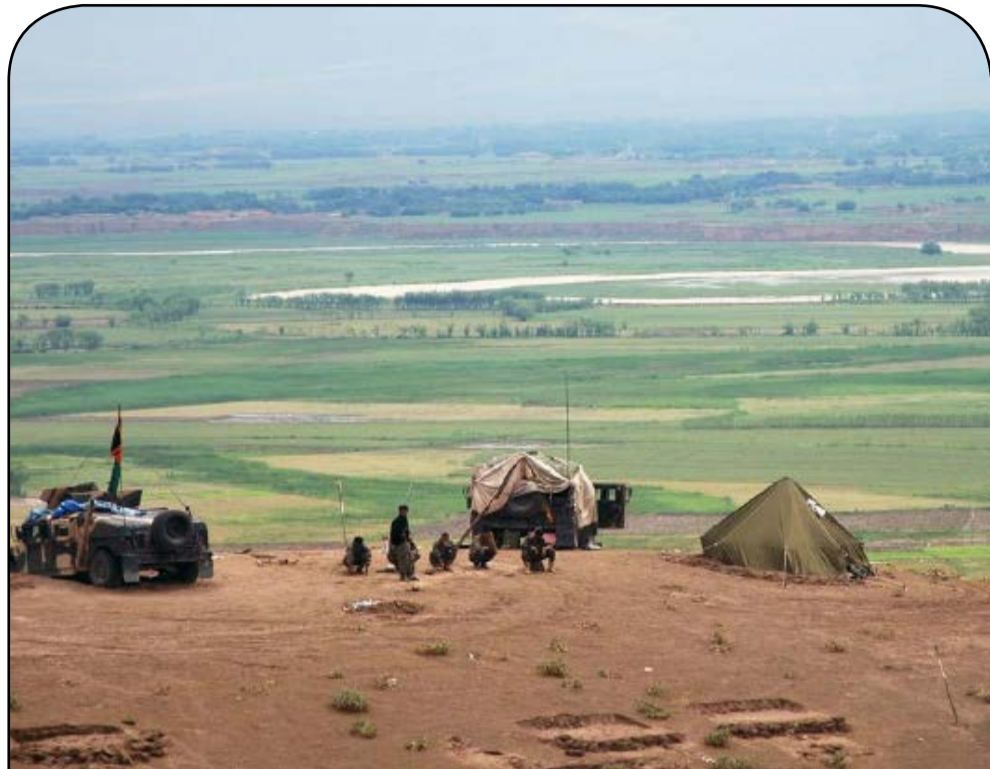
آنان با اشاره به این که موجودیت تنگ داران غیر مسوول یکی از عوامل ناامنی در بغلان به شمار می رود، گفتند: حکومت فصل زمستان را در سهل انگاری و ندانم کاری گذشتاند و به همین دلیل، طالبان برای بهار سال آینده تقویت شده اند.

دکتر محیی الدین مهدی، نماینده مردم بغلان در مجلس نمایندگان می گوید: در حال حاضر، لسوالی دهنه غوری نزدیک به یک سال است که به دست طالبان است و طالبان در لسوالی دند غوری نیز فعال هستند.

دکتر مهدی می افزاید: در حالی که دو پوسته ارتش در این لسوالی موقعیت دارند، اما هیچ تلاشی برای پاک سازی دند غوری از وجود طالبان تا به حال نکرده اند.

این نماینده مردم بغلان در مجلس نمایندگان، دلیل سقوط لسوالی تاله و برفک را در مصرف بودن نیروهای امنیتی بغلان در پاک سازی دهنه غوری عنوان می کند و می افزاید: حکومت با توانایی های لازم وارد جنگ در بغلان نشده و زمستان را در سهل انگاری و ندانم کاری گذشتاند که به همین دلیل، طالبان برای نبردهای بهار بسیار تقویت شده اند.

به گفته دکتر مهدی: پیوسته گی اراضی یا هم مزب بودن بغلان با ولایت کندز موجب



ما نشد.

در همین حال دو روز پیش، نیروهای امنیتی در یک حمله هوایی، مواضع مخالفان مسلح در لسوالی بغلان مرکزی را هدف قرار دادند که در نتیجه آن، ۵ مخالف مسلح کشته و ۱۱ تن شان زخم برداشتند.

بر بنیاد اظهارات مقام های امنیتی در بغلان، این حمله هوایی در ساحات منگل ها و عرب های لسوالی بغلان مرکزی راه اندازی شده بود.

شیر عزیز کامه وال، فرمانده عمومی پولیس در زون شمال شرق گفته است، این حمله به هدف سرکوب شورشیان در آن ساحات راه اندازی شده بود.

آقای کامه وال بیان داشته که در نتیجه این حمله، علاوه بر کشته و زخمی شدن ۱۶ هراس افکن، یک عرادده موتر «هاموی» و یک پایه «دهشکه» مخالفان نیز تخریب شده است.

بغلان مرکزی، دند غوری و دند شهاب الدین. آقای ظریف با بیان این که لسوالی دهنه غوری از یک سال به این سو زیر اداره طالبان است، افزود: می توان گفت که اکثریت لسوالی های ولایت بغلان ناامن هستند که حضور تنگ داران غیر مسوولان یکی از عوامل ناامنی بغلان به شمار می رود.

به گفته این عضو شورای ولایتی بغلان، تقریباً تجهیزات و نیروی تازه نفس به بغلان آمده اند، اما این نیروها نیازمند مدیریت درست و مسلکی می طلبد که امیدواریم تا نیروهای امنیتی بتوانند تغییرات جدی و گسترده یی از بهر تأمین امنیت این ولایت روی دست گیرند.

خواستیم مشکلات شهروندان بغلان را با فرماندهی پولیس این ولایت در جریان گذاشته و دیدگاه آنان را در این زمینه داشته باشیم، اما با تماس های مکرر، هیچ مسوول امنیتی در فرماندهی پولیس بغلان حاضر به گفت و گو با

آگاهان:

تغییر راهبرد نظامی امریکا امیدبخش است

ابوبکر صدیق

می داند و می گوید که سران طالبان از سازمان استخباراتی پاکستان دستور می گیرند. این بهتر است که امریکا بالای پاکستان فشار وارد کند و ریشه تروریسم که در آن کشور است را نابود کند.

او گفت که امریکا میلیون ها دلاری که به پاکستان سالانه جهت مبارزه با تروریسم پرداخت می کند، پاکستان این پول را بالای شبکه های تروریستی مصرف می کند. اما، امریکا اگر خواهان تأمین امنیت در افغانستان است باید نیروهای امنیتی افغانستان را بیشتر تجهیز کند. در حالی که اعزام نیروهای بیشتر امریکایی با صلاحیت های بیشتر به افغانستان هزینه هنگفت می خواهد.

این آگاه مسایل نظامی می گوید که گروه های تروریستی لانه های امن در پاکستان دارند و امریکا باید برای مهار لانه های تروریستی بالای پاکستان فشار وارد کند. در حالی که امریکا هیچ گاه فشار بالای پاکستان وارد نمی کند و این کشور را دوست می پندارد.

او گفت که امریکا برای تثبیت قدرت خود در کشورهای منطقه از پاکستان به عنوان تخت خیز استفاده می کند. در غیر آن صورت وقتی در سال ۲۰۰۱، ۱۵۰ هزار نظامی امریکا در افغانستان بود می توانست طالبان را سرنگون کند.

این در حالی است که ژنرال ژوزف ووتل فرمانده مرکزی نظامیان امریکایی و ژنرال نیکلسون فرمانده نظامیان امریکایی در افغانستان، خواهان اعزام بیشتر نیروهای نظامی امریکا به افغانستان شده اند.

پیشین امریکا به نیروهای امریکایی در افغانستان دستور داده بود تا از هدف قرار دادن رهبران این گروه در افغانستان خودداری کرده، این مسوولیت را به نظامیان افغانستان واگذار کنند و تنها در عملیات

نیروهای امنیتی افغانستان را پشتیبانی بانی کنند. روزنامه دیلی کالر نگاشته است که این سیاست محافظه کارانه او با سبب شد طالبان به ساحات بیشتر خاک افغانستان حاکمیت پیدا کنند. در حال حاضر افغانستان درگیری جنگ شدید با گروه طالبان است، اما تغییر استراتژی جدید نظامی

امریکا می تواند پیام خطر آفرین برای رهبری گروه طالبان در افغانستان باشد. بر اساس این راهبرد، نظامیان امریکایی طالبان را در افغانستان مصون نخواهند ماند و در هر گوشه یی که برای بدامنی تلاش کنند، مورد هدف قرار خواهند گرفت.

عتیق الله امرخیل می گوید که هر چند در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی فرمان مبنی به توقف عملیات شبانه که از طرف نیروهای امریکایی انجام می شد، صادر شد؛ چون در عملیات بیشتر تلفات متوجه افرادی ملکی شده بود.

آقای امرخیل گفت که اگر نیروهای امریکایی به شکل درست و دقیق سران طالبان و داعش و گروه های دیگری تروریستی را مورد هدف قرار دهند، کاری نیک است؛ اگر عملیات نیروهای امریکایی در مشور با رهبران افغانستان باشد، از تلفات ملکی جلوگیری می کند، در غیر این صورت هر عملی خود سر باعث واکنش مردم می شود. او عامل اصلی دهشت افکنی در افغانستان را پاکستان



امریکایی باید در حملات شان بالای سران طالبان، دقت کامل کنند تا از وارد شدن تلفات به افرادی ملکی جلوگیری شود، چون در گذشته بیشتر حملات هوایی نظامی امریکایی منجر به تلفات ملکی شده است و این سبب رنجش مردم از دولت می شود.

در همین، عبدالرحمان رحمان معین ارشد امور امنیتی وزارت امور داخله که در نشست همکاری کشورهای منطقه در مبارزه با تروریسم در بنگلادیش اشتراک کرده بود، با اشاره به تهدیدهایی که از ناحیه تروریسم، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان متوجه افغانستان و کشورهای منطقه است، گفت که افغانستان در امر مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی، قربانی های زیادی داده و همین اکنون نیروهای افغانستان مشغول مبارزه جدی در این زمینه اند که ایجاب می کند، کشورهای منطقه نیز در این مبارزه همگام با دولت و مردم افغانستان کار و پیکار کنند. این در حالی است که بارک اوباما، رئیس جمهور

اداره جدید امریکا به رهبری دونالد ترامپ به نیروهای این کشور اجازه می دهد تا سران گروه طالبان را در افغانستان هدف قرار دهند.

به نوشته روزنامه دیلی کالر، راهبرد جدید اداره ترامپ به نظامیان امریکایی در افغانستان اجازه می دهد تا رهبران گروه طالبان را هدف قرار دهند. عملیاتی که در ۶ فبروری در شمال کشور انجام شد، امکان دارد امتحانی از راهبرد جدید حملات نیروهای امریکایی به سران گروه طالبان در افغانستان باشد. در عملیاتی که به تاریخ ۶ فبروری در ولایت کندز انجام شد، یک فرمانده ارشد گروه طالبان با شماری از افرادش کشته شدند.

در همین حال، کارشناسان نظامی در گفت و گو با روزنامه ماندگار با استقبال از استراتژی جدید نظامی امریکا می گویند، نیروهای امریکایی باید در حملات خود دقت کامل را به خرج دهند تا از تلفات ملکی جلوگیری شود.

عتیق الله امرخیل، کارشناس نظامی می گوید: نظامیان

حامد فقیری، دانشجوی مقطع ماستری روابط بین الملل



واژه «افغان» و بجز آن ملی

هویت از منابع گوناگونی سرچشمه می‌گیرد و فرد در پناه عناصر مختلفی که به زنده‌گی او معنا و مفهوم می‌بخشند، می‌تواند به هویتی که به او عزت، اعتبار و شخصیت بدهد، دست یابد. یعنی هویت معطوف به چیستی و کسیتی افراد به صورت فردی و جمعی می‌باشد که می‌تواند امر احساسی یا آگاهانه، خیالی و واقعی، موجود و یا جعلی باشد.

انسان‌ها از بدو پیدایش در پی کسیتی و چیستی خود اند، چون «خود» در برابر «غیر» معنا می‌دهد؛ به همین دلیل افراد سعی می‌کنند که خود را از غیر جدا سازند و به همین ترتیب، در سطح کلان کشوری نیز در برابر کشوری دیگر معنی پیدا می‌کند. تفکیک غیر از خود و کشور خودی از کشور دیگری، دلیل پیدایش هویت‌های ملی است که در افراد احساس تعلق خاطر به وطن و کشور را ایجاد می‌کند.

هویت از آنجایی که مربوط به شناخت افراد می‌باشد، همیشه یک بحث مهم برای افراد به صورت فردی و جمعی بوده است و چون هویت مربوط شناخت آدمی می‌باشد، همیشه افراد در برابر آن حساس بوده‌اند. در کل، از دو نوع هویت می‌توان بحث کرد: اول هویت قومی و دوم هویت جمعی که پس از شکل‌گیری دولت‌مدن به نام «هویت ملی»

یاد می‌شود. هویت قومی به هویت اجتماعی کوچک‌تر از یک اجتماع بزرگ‌تر اطلاق می‌شود که تعلقات خونی نیاکانی و یا اسطوره‌یی موجبات همبستگی و پیوند آنان می‌گردد. هویت‌های قومی صرفاً می‌توانند یک قوم را از قوم دیگر متمایز کنند، همانند اقوامی که در کشور ما سکونت دارند «تاجک، ازبک، پشتون، هزاره...». این هویت‌های قومی در درون هر جامعه‌یی وجود دارند و ضمن این‌که افراد به هویت‌های قومی خود وفاداری نشان می‌دهند، برای مبدل شدن به یک ملت ناگزیر اند زیر چتری به نام هویت ملی گرد آمده تا در برابر غیر، دارای هویت گردند. اما هویت ملی فراتر از هویت‌های قومی - قبیله‌یی می‌باشد که افراد را از طریق مشترکات‌شان گرد هم آورده و به آن‌ها شناخت در سطح بین‌الملل می‌دهد. به طور مثال؛ هویت چینی‌یی در برابر چپانی و یا هویت فرانسوی در برابر امریکایی.

افغانستان از بدو تأسیس خود به عنوان یک کشور، از لحاظ ساختار اجتماعی، کشوری به شدت مشتت و پراکنده بوده و تا هنوز نتوانسته است میان گروه‌های مختلف خود پیوند ارگانیک ایجاد کند و مفهوم ملت را پدید بیاورد. تعلقات طایفه‌یی، قومی، منطقه‌یی و مذهبی - دینی با تمام شدت خود بر روابط و مناسبات اجتماعی مردم این کشور حاکم بوده و شکاف‌های به وجود آمده بر مبنای این تعلقات، بسیار عمیق بوده است. این تعلقات، باشندگان این کشور را به هویت‌های جداگانه تقسیم کرده است، هویت‌هایی که نتوانسته‌اند همدیگر را بپذیرند؛ چون گاهی با هم جنگیده‌اند، گاهی یکی بر دیگری چیره شده و به سرکوب آن‌ها پرداخته است. در هر صورت، همواره یک حالت خصمانه میان آن‌ها حاکم بوده.

عدم شکل‌گیری هویت ملی در افغانستان را می‌توان به تبعیض و تعصب سیاست‌مداران این مرز و بوم نسبت داد. از زمان احمدشاه تا کنون کسانی که به حکومت‌داری افغانستان رسیده‌اند، هیچ‌گاه در پی این نبوده که ملت تشکیل دهند. آن‌ها بیشتر سعی نمودند که سلطه خود و برتری قومی خود را حفظ کنند که همین امر باعث گردیده که این کشور به هیچ‌گونه صلح و ثبات دست نیابد. اگرچه که مردم این کشور دارای تفاوت‌ها و مشترکاتی می‌باشند و این مشترکات (تاریخ مشترک و دین) می‌تواند باعث همبستگی و وحدت آن‌ها شود، اما سیاست‌های متعصبانه سیاست‌مداران کشور و روی دست‌گیری سیاست‌های تبعیض‌آمیز میان اقوام باعث گردیده که تفاوت‌ها بیشتر برجسته شود و خصومت و عداوت میان اقوام کشور شکل بگیرد.

بعد از روی کار آمدن حکومت کرزئی

انتظار می‌رفت که دولت پروژه ملت‌سازی را در پیش گرفته و مقدمات گذار از هویت‌های قومی و قبیله‌یی را به سوی یک ملت واحد بنیان بگذارد. اما دولت جدید نیز پس از استقرار حاکمیت خویش، آهسته آهسته به سوی قومی ساختن حکومت و به کار گرفتن تعصب و تبعیض در میان اقوام کشور حرکت کرد و همه آرزوها را به یک رؤیا مبدل ساخت. در کنار این، انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ به تنش‌های قومی هرچه بیشتر دامن زد و فاصله میان جزیره‌های قومی را بیشتر نمود. تشکیل حکومت وحدت ملی و تقسیم قدرت ۵۰-۵۰ میان اشرف‌غنی و عبدالله عبدالله، با گذشت هر روز به فضای سیاسی و اجتماعی کشور رنگ‌وبوی قومی بیشتر بخشید و تأثیرات منفی را بالای جامعه تحمیل کرده و می‌کند.

در کنار سیاست‌های تبعیض‌آمیز و قومی سیاست‌مداران کشور، عواملی همچون: تعدد اقوام و نژادها، تعدد زبانی، تنوع مذهبی، عصبیت‌ها، تبعیض و نابرابری و چندگانه‌گی و تعارض هویت‌ها که آقای محمود جعفری در مقاله‌یی تحت عنوان «عوامل بحران هویت ملی در افغانستان» از آن یاد می‌کند نیز، تأثیر خود را بالای عدم شکل‌گیری هویت ملی در افغانستان گذاشته است. در کنار این عوامل، کلمه «افغان» و اسم کشور «افغانستان» یکی از عوامل دیگری است که باعث شده هویت ملی در میان اقوام کشور شکل نگیرد؛ چون اقوام غیرپشتون هویت خود را در این نام نمی‌توانند بیابند و از طرف دیگر، اسم افغانستان آن ظرفیت را ندارد که همه اقوام ساکن در کشور را زیر چتر خود بکشاند.

بنا به آنچه که از لابه‌لای اوراق تاریخ به دست می‌آید، واژه «افغان» معرف هویت قومی و تاریخی یک قوم مشخص با فرهنگ و زبان مشخص است. فارسی‌زبانان همیشه کسانی را که به زبان پشتو صحبت می‌کردند، به نام «اوغان» یا «افغان» صدا زده اند، حال چطور می‌توانند کلمه‌یی که برای قوم دیگری استفاده می‌کردند را به عنوان هویت خود بپذیرند...؟ مسلماً هیچ فردی نمی‌تواند نام و هویت قوم دیگری را قبول کند، به همین دلیل است که اقوام غیرپشتون/غیرافغان؛ تاجک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها و... از این‌که کلمه افغان را به حیث هویت ملی خود به کار گیرند، برائت می‌جویند. بنابراین، درج واژه افغان به عنوان ملیت یا هویت ملی در شناس‌نامه‌های برقی، به نظر نویسنده، تنش‌ها و شکاف‌های قومی را بیشتر ساخته و سبب خشم اقوامی می‌گردد که طی چندین قرن در برابر تحمیل این واژه موضع گرفته‌اند و بر هویت‌های قومی خود تأکید کرده‌اند.

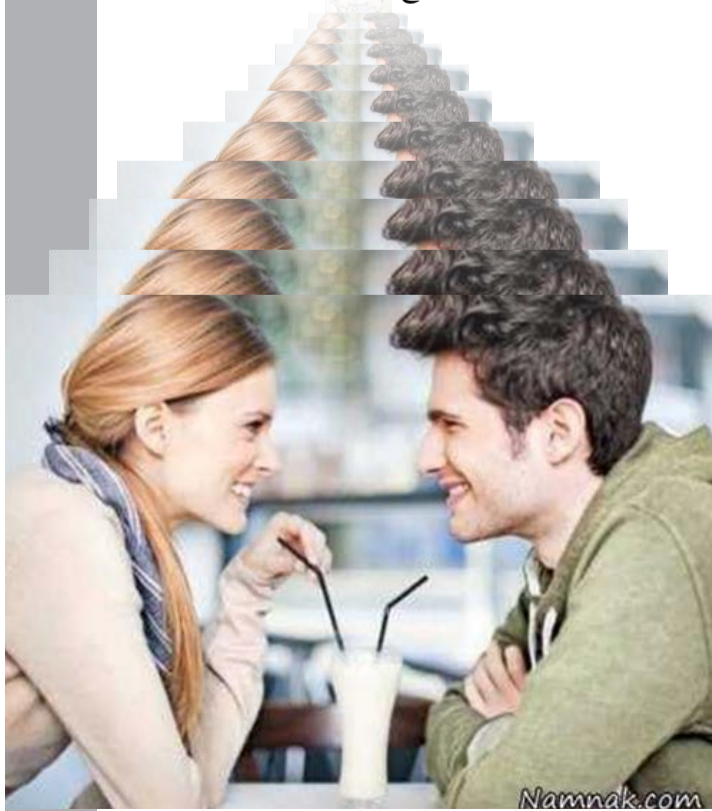
این نشانه‌ها می‌گوید:

شوهرتان دیوانه‌وار عاشق شماست!

کسی که عاشق می‌شود، باید به عشق خود اعتراف کند، غیر از این است...؟ مسلماً نه! اما این کار برای برخی‌ها دشوارترین کار ممکن است. اگر شریک زنده‌گی شما هم یکی از این آدم‌هاست، ناراحت نشوید؛ زیرا که این دسته از آدم‌ها دوست داشتن‌شان را به گونه دیگری نشان می‌دهند. اگر می‌خواهید با نشانه‌هایی که حاکی از عشق طرف مقابل‌تان به شماست آشنا شوید، آن‌چه در ادامه آمده را با دقت بخوانید.

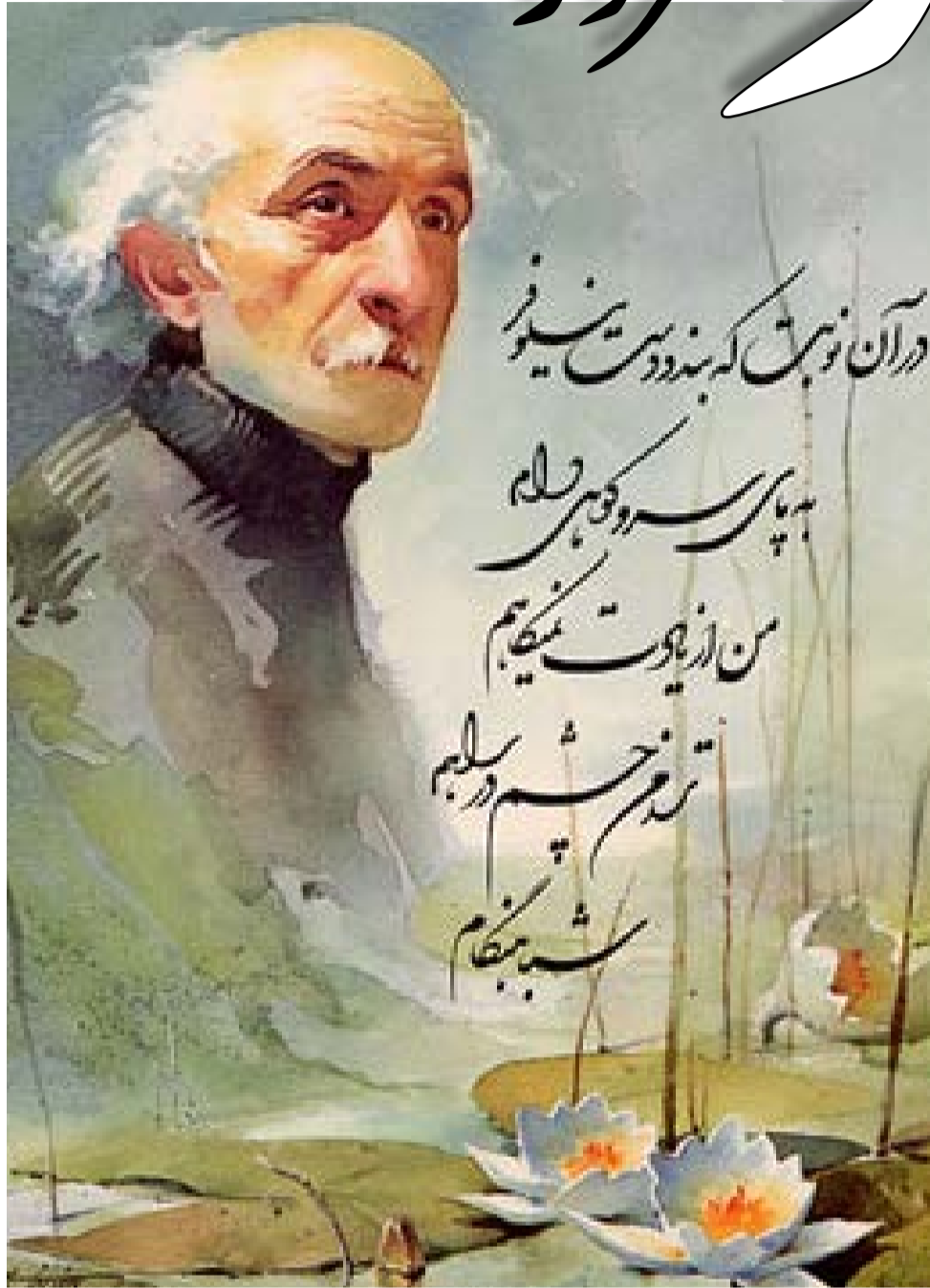
- ۱- او همه تلاشش را می‌کند تا روز بد شما را تبدیل به یکی از بهترین روزها کند.
- ۲- او حتی کوچک‌ترین کارهایی را که شما انجام داده‌اید و حرف‌هایی را که زده‌اید هم به یاد دارد.
- ۳- او دوست دارد که از تمام جزئیات زنده‌گی شما سر در بیاورد، حتی چیزهایی که اهمیت زیادی هم ندارند.
- ۴- او مدام با شما در تماس است.
- ۵- هنگام تصمیم‌گیری، شما و موقعیت‌تان را نیز در نظر می‌گیرد.
- ۶- آهنگ مورد علاقه‌اش را با شما به اشتراک می‌گذارد.
- ۷- شما بیش از هر فرد دیگری برای او اهمیت دارید.
- ۸- او از شما سوال می‌پرسد تا بهتر شما را بشناسد.
- ۹- دوست دارد که دست‌ان شما را در دست‌هایش بگیرد.
- ۱۰- با شما مانند یک شاهزاده رفتار می‌کند.
- ۱۱- از این‌که مراقب شما باشد، لذت می‌برد.
- ۱۲- زمانی که به کمک احتیاج دارید، او حاضر است.
- ۱۳- مناسبت‌ها را به یاد دارد.
- ۱۴- با به آغوش کشیدن شما آرام می‌شود.
- ۱۵- مجبور نیستید کنار او نقش بازی کنید.
- ۱۶- تلاش می‌کند شما را برای خانواده و دوستانش عزیز بسازد.
- ۱۷- او شما را در آینده‌اش می‌بیند.
- ۱۸- برای شما زمان می‌گذارد.
- ۱۹- به نظرات شما احترام می‌گذارد.
- ۲۰- وقتی جواب پیغام‌هایش را نمی‌دهید، ناراحت می‌شود.
- ۲۱- نسبت به شما حس حسادت دارد.
- ۲۲- نمی‌تواند دوری از شما را تاب بیاورد.
- ۲۳- به شما می‌گوید که چرا برایش عزیزید یا این‌که چه رفتارهایی از شما او را شاد می‌کند.
- ۲۴- می‌تواند از چشم‌هایش آن‌چه را که به زبان نمی‌آورد، بخواند.
- ۲۵- شما اولین نفر در صبح و آخرین نفر در شب هستید که با آن صحبت می‌کند.
- ۲۶- در زمان‌هایی که احتیاج است، از شما معذرت‌خواهی می‌کند.
- ۲۷- در انتخاب‌هایش همیشه اولویت با شماست.
- ۲۸- دنیای او در شما خلاصه می‌شود و از این‌که عاشق شماست، بی‌نهایت خوشحال است!

منبع: سلامت نیوز



ضرورت‌های نیما

بدعت‌ها



در آن نوبت که بندودت شید
 به پای کس و کوبیده
 من از یوست نیستم
 ز خم شدم
 شب بزم

در این متن و در متن شعر فارسی امروز، پرداختن به نیما، پرداختن به ضرورت نیماست؛ و هم‌زمان، ضرورت پرداختن به نیما.

برای رسیدن و پرداختن به هر دو ضرورت بالا، اما، متن کدام جهت را باید پی گیرد؟ کدام طرف، کدام سمت کار نیما، امروز به کار ما می‌آید؟ آشکارا آن جهتی که بتواند از تسلسل تقویمی بیرون بزند؛ زمان را درنوردد؛ از آن سال‌های مانده میان قرن درحال زوال قبلی، و قرن تازه و در راه فعلی هجری شمسی بگذرد و به حال، به حال ما برسد. تنها چنین جهتی است، و از خلال چنین مسیری، که می‌تواند ضرورت ما و نیما را به هم پیوندد، تا ضرورت نوشتن از نیما، همان ضرورتی بشود که او را در آن سال‌ها به نوشتن و می‌داشت: (ضرورت) معاصر.

حالا بررسی کردن و دریافتن مفهوم معاصرت را از همین پراتز ضرورت آغاز کنیم: چرا پراتز؟ چرا (ضرورت) و نه ضرورت؟ این دو هلال خمیده از کجا می‌آیند؟ از ضرورت به طور ضمنی نهفته در خود مفهوم معاصرت. در واقع، معاصرت را باید آن امری دانست که به محض به معرض آمدن و نمایان شدن، تمام آن‌چه را که پیش‌تر خود را به شکل و هیأت ضرورت می‌نمایاند، میان دو بازوی خمیده‌اش متوقف و معلق می‌گرداند. به این معنا، معاصرت خود چیزی نیست جز ضرورت معاصرت. از طرف دیگر، و از منظری لغت‌شناسانه، (امر) معاصر، قبل از هر چیزی، ریشه در "عصر" دارد؛ و از این طریق است که با زمان رابطه می‌یابد. رابطه‌ی دوگانه: عصر، هم‌زمان که جزء و از جنس زمان است، با زمان سازنده خود تفاوت دارد. و درست به سبب همین تفاوت است که عصر نام می‌گیرد. عصر بازه‌ی در دل زمان است؛ پراتزی با بازوان مبهم که ناگهان و در دقیقه‌ی تصمیم‌ناپذیر، در پیوستار راکد زمان ازلی - ابدی ظاهر می‌شود، در آن گسست می‌افکند، و به تعبیر عامیانه «آن را از راه راست منحرف می‌گرداند» و به جهتی دیگر می‌برد. «به بیان دقیق‌تر، معاصر بوده‌گی نوعی رابطه با زمان است که از طریق قسمی ناپیوسته‌گی و زمان‌پریشی به آن اتصال می‌یابد. کسانی که به خوبی با دوران خود تطابق دارند و آن‌هایی که از هر لحاظ کاملاً به آن گره خورده‌اند، معاصران آن زمان نیستند.» در حالی که معاصر، متقابلاً با احضار تمام گذشته متصل به، و هم‌زمان، آینده‌انگار منتج از زمان حال، با حال حاضر زاویه می‌گیرد و آن را مسأله‌دار می‌سازد.

نیما چه‌گونه شعر فارسی را مسأله‌دار می‌سازد؟

آن رابطه دوگانه عصر و معاصر با زمان - در هر سه حالت صرفی‌اش - این‌جا نیز هم‌چنان در کار است: نیما، نخست باید از ماضی آغاز کند، از بعیدترین قرن‌ها، از منوچهری شروع کند و بیاید برسد به سعدی و حافظ و مولانا در میانه‌ها و استمرار داشته باشد تا «اعلا درجه ترقی شعر پارسی» یعنی سبک هندی؛ و بعد باز هم جلوتر بیاید و به مکتب بازگشت و شعر مشروطه برسد و این‌گونه، با جمع کردن و تعلیق تمام آن گذشته در نقطه اکنون، به زمان حال بیاید و در عین حال، از حال حاضر فاصله بگیرد. فاصله‌ی که او را معاصر می‌سازد و به این شکل، شعرش را به آینده، به آینده‌گان، به ما و پس از ما می‌رساند.

و ما، در ادامه متن، بررسی مسایل نیما را با همین شکل ادامه می‌دهیم؛ با شکل شعر نیما که به شیوه‌ی شمایل‌گون، همان رابطه دوگانه با سنت شعر کلاسیک پارسی را بازمی‌نمایاند. چرا که از طرفی، شعر او مصالح و مظاهر شعر کلاسیک را، قافیهِ و ردیف و وزن عروضی و مصراع را دارد؛ اما از سوی دیگر، گرچه شعر او تمام این عناصر صوری و شکلی را در خود جمع می‌آورد، اما آن‌ها را سر جای معهود و مقررشان قرار نمی‌دهد. و گسست نیما، این‌جا نما می‌یابد. گویی دست شاعر چون تندبادی سهمگین به کلمات و ابیات برخورد کرده؛ قافیه‌ها را از سر جای گرم و نرم‌شان در انتهای مصع‌ها (ی زوج) کنده و در سرتاسر تنه پُریچ و خم شعر پراکنده کرده؛ میان کلمات ادبی و مودب هم‌خانواده و هم‌ریشه شعر فارسی رخنه کرده، و کلماتی دهاتی و غیرادبی را، داروگ و سیولیشه و کک‌کی و کاج و تلاجن و خیلی‌های دیگر را، از یک گویش محلی - طبری - به زور بین‌شان چپانده تا برای خود بچرخند و ول‌گردی کنند؛ و نهایتاً، با این پخش و پلا کردن کلمات، مصع‌های شیک و تشکیل شعر فارسی را، که شده به ضرب و زور ضرورت شعری و پس و پیش کردن ارکان جمله، و حتا گاه هجاهای کلمات، هم‌اندازه و از نظر صوتی و طولی مساوی هم می‌شدند، دراز و کوتاه و بی‌قواره کرده.

به این صورت است که در رویارویی با شعر نیما، انگار با یک شعر کلاسیک از ریخت افتاده و دفرمه مواجه‌ایم؛ (بیهوده نیست که نیما اشعار خود را "قطعه" می‌نامد) و هم‌زمان، با شاعری که خلاف

گذشته‌گان، جای آن‌که تمام هم‌وغمش را صرف نظم دادن به قوافی و آنکاذر کردن مصاریع کند، پیایی در حال به هم زدن و درهم ریختن صورت شعر فارسی است؛ تا جایی که با کسر کردن‌ها و جابه‌جا گذاردن‌های مکرر عناصر و صنایع شعر، ناگهان، شعر خود از میان صورت خونین و خط‌وخراش خورده قطعه، سر بیرون کند. همین موضع نیما، همین جایگاه ویژه که او را در مقام مُبدع، بنیان‌گذار و آغازگر قرار می‌دهد و برایش خطاب قرار دادن تمام شاعران پس از خود را میسر می‌سازد، او را مستعد بدل شدن به شمایل شیخ‌گون "پدر" شعر نو می‌کند. و هم‌زمان می‌تواند آثارش را به میراث ادبی - فرهنگی آن تقلیل دهد.

و البته، هم‌چنین با شاعری که تنها این تغییرات شکلی را کافی نمی‌داند، و مدام در نامه‌ها و نوشته‌های پراکنده‌اش، از ضرورت تغییر طرز کار صحبت می‌کند: «عمده طرز کار است.» و به این منظور، در بازخوانی‌اش از متون کلاسیک، نظامی را به سبب نزدیکی به آن‌چه خود عینیت و ایژکتیو بودن شعر می‌خواند، به معاصرت برمی‌گزیند؛ و با همراهی او در مقابل سنت وصف حالی شعر فارسی جبهه می‌گیرد. تا باز به گفته خود «آن مدل وصفی و روایی را که در دنیای باشعور آدم‌هاست» جایگزین بیان سوژکتیو شعر سنتی فارسی سازد. بنا بر همه این‌ها، یعنی به اتکای آن رابطه گسست - پیوست توامان از / با سنت/ زمان؛ و همین‌طور «توانایی‌اش در معاصر بودن نه تنها با قرن و اکنونش، بل‌که هم‌چنین با فیگورهای اکتونیت در متون و اسناد گذشته» است که نیما می‌تواند تمام آن سنت "باشکوه و پرافتخار" متورم از فصاحت و بلاغت و صناعت را، یک‌جا، و در چند سطر کوتاه هریک از شعر/قطعه‌هایش احضار کند، در حالی‌که پیشاپیش در برابرش جهت گرفته است.

این‌گونه است که نیما در انتهای ادوار سرگیجه گرفته شعر کلاسیک، نقطه‌ی می‌گذارد، و از آن نقطه به بعد را عصری می‌سازد که از او آغاز می‌شود و تا به امروز ما می‌رسد.

اگر تا این‌جا، پرداختن به نیما معاصرت را آن ضرورتی نمایانید که او را از نوشتن ناگزیر می‌کرد؛ حالا و از این نقطه متن به بعد، باید بگوئیم تا نشان دهیم که چرا باز و هم‌چنان، تنها معاصرت می‌تواند آن جهتی باشد که ما را در مسیری اصل به نیما قرار می‌دهد، و به دومین ضرورت، ضرورت پرداختن به او می‌رساند.

همان‌گونه که نیما با معاصر و مسأله‌دار کردن شعر فارسی، تمام شاعران فارسی‌زبان پس از خود را، تا به حال، و در هر سبک و شیوه سرایش، خطاب قرار داده است؛ متقابلاً هر شاعر پس از او نیز، به محض خواست معاصرت، ناگزیر از احضار کردن و جهت‌گیری در برابر اوست. و درست به دلیل در معرض همین خطاب دوسویه قرار داشتن است که پس از او، حتا شاعرانی که هنوز می‌خواهند در قالب‌ها و به شیوه‌های کلاسیک بنویسند، ناچارند تکلیف‌شان را با «نیمایی بودن یا نبودن» روشن کنند. زیرا به یک معنا، پس از نیما، نیمایی نبودن دیگر ناممکن شده‌است؛ او چنان با آغشته کردن سرتاسر شعر فارسی به ویروس معاصرت، در اجزای و سلول‌هایش رخنه کرده که در تمامی این سپهر همواره حاضر است؛ و حتا به طور کنایه‌آمیزی، در نیمایی نبودن (نیمایی ننه- بودن).

از طرف دیگر، همین موضع نیما، همین جایگاه ویژه که او را در مقام مُبدع، بنیان‌گذار و آغازگر قرار می‌دهد و برایش خطاب قرار دادن تمام شاعران پس از خود را میسر می‌سازد، او را مستعد بدل شدن به شمایل شیخ‌گون "پدر" شعر نو

این معاصرت است که با تکه‌تکه کردن زمان، با بخش‌بندی و وقفه انداختن در آن، و خلق تفاوت کیفی میان زمانه و عصر نشان‌مان می‌دهد «بازگشت به نیما» نه تنها عقب کشیدن و پس رفتن در محور طولی زمان تقویمی و رسیدن به زمانی در - گذشته که «نیمای اصیل» در آن می‌زیست و می‌نوشت، نیست و نمی‌تواند باشد؛ بل‌که فرا روی و جلو آمدن تا عصری‌ست که نیمای معاصر در آن ضرورت نونوشتن را، همواره و مدام، درمی‌یابد. آن‌جا که به بیانی تمثیلی، با فاصله گرفتن از انوار کورکننده زمان حاضر، می‌توان به «شب» نیما چشم دوخت و در آن مستقر شد

تا عصری‌ست که نیمای معاصر در آن ضرورت نونوشتن را، همواره و مدام، درمی‌یابد. آن‌جا که به بیانی تمثیلی، با فاصله گرفتن از انوار کورکننده زمان حاضر، می‌توان به «شب» نیما چشم دوخت و در آن مستقر شد. شب تاریکی که همواره همراه و پیابند هر عصر است؛ زیرا «تمام ادوار برای کسانی که به شکلی معاصر آن‌ها را تجربه می‌کنند، تیره و تارند. معاصر کسی‌ست که دقیقاً می‌داند به چه شیوه‌ی به این ظلمت چشم بدوزد، همان کسی که قادر است با فرو بردن قلمش در سیاهی زمان حال بنویسد».

بنابراین، نتیجه غایی پرداختن به ضرورت معاصرت، فاش کردن این حقیقت به ظاهر متناقض است که برای بازگشت به نیما، باید همواره و دایماً از او عبور کرد، تا بتوان نیمایی (نه) بود. چرا که شمایل نیمای معاصر، از اساس، جلو و وری ما و زمان ماست که شکل می‌بندد. به عبارت دیگر، گرچه به علت پیوند داشتن با معاصرت و وام گرفتن، ضرورت آن بود که به محض نمایان شدن نیما، «نیمایی بودن» چونان ضرورتی ظاهر شد که برای همیشه خط سیر و جهت شعر فارسی را دگرگون کرد، فرا رفتن از نیما آن ضرورت دوم، آن ضرورت بالقوه نهفته در خود نیمایی بودن است. ضرورتی که نتیجه محتوم معاصرت نیماست؛ و که این، همان ضرورت ماست. بخش ادبیات تبیان

منبع: واژنا

می‌کند. و هم‌زمان می‌تواند آثارش را به میراث ادبی - فرهنگی آن تقلیل دهد. تحت چنین شرایطی‌ست که برای تمام پسران خلف - شاعران نیمایی به معنای عام آن - هنگام مواجهه با هرگونه بدعت نظری و عملی، و یا هر ایده حامل «عبور از نیما»، «بازگشت به نیما» واکنشی نه تنها وسوسه‌انگیز، که چونان ضرورتی محتوم می‌نماید. ضرورتی مشابه با آن که همواره مومنان و اهل صلاح را به «بازگشت به صدر» و «بازگشت به نص» فرا می‌خواند. اما در واقع، و به‌عکس، این آن شیخ وسوسه‌گر است که خود همواره در حال بازگشت به آن‌هاست. این‌جاست که معاصرت می‌تواند هم‌چون تعویذ و باطل‌السحری عمل کند که ما را از میل بنیادگرانه رجعت به اصل و نص، خلاصی بخشد. تعویذی که در شمایل نیمای معاصر کار گذاشته شده، و میراثی‌ست که تنها پسران ناخلف او - فرزندان "مسأله‌ساز"ش - درش می‌یابند. آن‌ها که می‌دانند نیما خود پیشاپیش از ما و نیما یوشیج عبور کرده و گذشته است.

با بازگشت به بند دوم می‌توان گفت این معاصرت است که با تکه‌تکه کردن زمان، با بخش‌بندی و وقفه انداختن در آن، و خلق تفاوت کیفی میان زمانه و عصر نشان‌مان می‌دهد «بازگشت به نیما» نه تنها عقب کشیدن و پس رفتن در محور طولی زمان تقویمی و رسیدن به زمانی در - گذشته که «نیمای اصیل» در آن می‌زیست و می‌نوشت، نیست و نمی‌تواند باشد؛ بل‌که فرا روی و جلو آمدن

رئیس شورای علما:

با دشمن بی رحم، مکار و غدار طرف هستیم



اعضای شورای سرتاسری علمای افغانستان در دیدار با رئیس اجرایی حکومت "قتل عام" شفاخانه چهارصد بستر را به شدت محکوم کرده‌اند. در این دیدار که دیروز در کابل صورت گرفت، نخست مولوی قیام‌الدین کشف رییس شورای علمای افغانستان گفت که دهشت‌افگان در این شفاخانه، زخمی‌ها و داکتران را قتل عام کرده‌اند. او تصریح کرد: ما با یک دشمن بی‌رحم، مکار و غدار طرف هستیم. آنان با حمله بر شفاخانه سردار داوود نشان دادند که به هیچ ارزش انسانی پای‌بند نیستند؛ جنایت آنان در

هیأت حقیقت‌یاب سنا:

مسوولان شفاخانه ۴۰۰ بستر همکاری نکردند

ماندگار: هیأت حقیقت‌یاب مجلس سنا که برای بررسی چه‌گونگی حمله بر شفاخانه ۴۰۰ بستر موظف شده بودند، می‌گویند که مسوولان این شفاخانه با هیأت مجلس سنا همکاری نکرده‌اند. این هیأت می‌گوید، از قریب‌ترین چنان دریافته‌اند که بدون همکاری از داخل و بدون همکاری مسوولان رده بالای این شفاخانه هیچ امکان نداشت که تروریستان خود را به داخل برسانند. به گفته این هیأت، برخی تروریستان از پیش در داخل جابه‌جا بوده‌اند و برخی آنان نیز به ساده‌گی و بدون ممانعت به داخل شفاخانه راه یافته‌اند. محمدهاشم الکوزی، رییس کمیسیون امور دفاعی سنا و رییس هیأت بررسی کننده این مجلس می‌گوید: "موت‌های ما هنگام ورود به شفاخانه به سختی تلاشی شد؛ اما با این تدابیر چطور مهاجمان به ساده‌گی به داخل این شفاخانه راه یافته‌اند که این مساله سوال برانگیز است". آقای الکوزی افزود، هنگام بررسی آنان مسوولان درجه یک شفاخانه از دادن معلومات طفره رفته و پنهان شده‌اند؛ اما برخی افسران این شفاخانه به هیأت گفته‌اند که در پیوند به حادثه روز چهارشنبه گذشته ۱۱ نفر مشکوک بازداشت شده و تحقیقات از آنان ادامه دارد. به گفته او، مسوولان شفاخانه به سوالات هیأت سنا پاسخ نداده‌اند. او تأکید ورزید که بدون همکاری مسوولان امنیتی شفاخانه انتقال مواد انفجاری و مهمات به داخل شفاخانه امکان‌پذیر نیست و حتماً برخی از مسوولان این شفاخانه با مهاجمان همکاری کرده‌اند. هیأت سنا گفت که یک موتر مملو از مواد انفجاری در فضای آزاد صحن شفاخانه و در

جایی که هیچ چیزی وجود نداشته انفجار داده شده و یکی از مهاجمان انتحاری هم خود را در منزل دوم انفجار داده‌اند. در همین حال، فضل‌هادی مسلم یار رییس مجلس سنا نیز یافته‌های این هیأت را کافی ندانسته و تأکید ورزید که مقام‌های امنیتی را برای وضاحت بیشتر در نشست روز یکشنبه آینده مجلس سنا فراخوانده است. فضل‌هادی مسلم یار رییس مجلس می‌گوید: یافته‌های هیأت دردی را دوا نمی‌کند و پس از شنیدن پاسخ مقام‌های امنیتی، مجلس سنا فیصله خواهد کرد که چه تصمیم باید گرفته شود. زندانیان طالب اعدام شوند سناتوران در هم‌چنان می‌گویند که وزیر دفاع در این حمله غفلت کرده و باید به راکت بسته شود و برای تسکین درد خانواده‌های قربانیان این حادثه تمام زندانیان طالبان باید اعدام شوند. سناتوران در مجلس سنا از غفلت مسوولان و مقام‌های امنیتی در خصوص تأمین امنیت مردم افغانستان به شدت انتقاد می‌کنند. فرهاد سخی در نشست دیروز مجلس سنا گفت: از رییس‌جمهور می‌خواهیم که وزیران امنیتی را نسبت غفلت در وظایف شان باید برکنار کرده و برای انتقام‌گیری از طالبان مسلح، همه زندانیان این گروه را باید اعدام کند. جمعه دین گیان‌وال دیگر عضو سنا گفت: وزیر دفاع به دلیل این که همه وقت در خواب است باید همانند وزیر دفاع کوریای شمالی به راکت بسته شود چون نمی‌تواند امنیت کشور را تأمین کند. آقای گیان‌وال خاطر نشان کرد، وزیر دفاع وعده داده بود که در زمستان جاری تمامی مناطقی را که زیر اداره طالبان است، پس

بلخی: کدوالی یوه گډ نړیوال مدیریت ته اړتیا لري

د کدوالو او راستېدونکو چارو وزیر وایي، د کدوالی پدیده یوه نړیوال گډ مدیریت ته اړتیا لري. سیدحسین عالمي بلخي يادې څرگندونې د سې شنبې په ورځ د اروپايي ټولنې له خوا د بېرته راستېدونکو د ښه مدیریت کولو په اړه په ورکشاپ کې وکړې. بلخي زیاته کړه چې، له ۲۰۱۶ کال راهیسې له اروپايي هېوادونو څخه ۷۳۲ کسان په جبري توگه را ایستل شوي دي. هغه په ورته وخت کې زیاته کړه، چې د کدوالی پدیده باید د مېدا، ترانزیت او مقصد هېوادونو او اړوند نړیوالو موسسو له خوا مدیریت شي (د کدوالی پدیده یوه گډ او څلور اړخیز مدیریت ته اړتیا لري او زه چې په لومړیو کې د کدوالو د وزیر په توگه وټاکل شوم په همدې باور وم چې هغه وخت د کدوالی په مدیریت کې بریالي کېدی شو، چې اړوندې خواوې گډ مدیریت ولري)).

په همدې حال کې په افغانستان کې د اروپايي ټولنې مرستیال سفیر جورج کابینگم وایي، هغه افغان کدوال چې اروپا ته تللي ډېری به یې بېرته افغانستان ته را ولېږل شي او لږ اندازه به یې په اروپايي هېوادونو کې ومنل شي. نوموړی زیاتوي، چې بیا هم هغه کدوالو چې له اروپايي هېوادونو څخه را ایستل شوي د هغه کدوالو چې د افغانستان له گاونډیو هېوادونو څخه راځي یو فیصد جوړوي (مور په ډېر غور سره دغه غوښتنلیکونه څېړو او ډېر یې هغه کدوال دي، چې د اقتصادي ستونزو له کبله کدوال شوي دي او له دوی څخه لږ شمېر به یې په اروپا کې ومنل شي)).

نوموړی زیاتوي ((هغه کدوال چې له اروپا څخه افغانستان ته لېږل شوي دي د هغه کدوالو په پرتله چې له ایران او پاکستان څخه را ایستل شوي دي ډېر کم دي او ان له یوه فیصد څخه هم کم گنل کېږي)). خو په ورته وخت کې په افغانستان کې د کدوالی د نړیوال سازمان مشر لورانس هارت وایي، هغه کدوال چې نوي افغانستان ته راگرځېدلي دي له ډېرو ستونزو سره لاس او گروان دي (مور له ډېرو ننگونو سره مخ یو چې یوه له دې ننگونو څخه هم نامني ده؛ یوناما په خپل تازه راپور کې خبر ورکړ چې په ۲۰۱۶ م کال کې د ملګري وګړو مرګ ژوبله په بې ساري توګه زیاته شوې وه)).

لورانس په ورته وخت کې زیاتوي ((کله چې داسې یوه حساس چاپیریال ته د کدوالو د بېرته را ګرځولو په اړه خبرې کوو نو باید ډېر احتیاط وکړو خو دا یوازې د امنیت موضوع نه ده بلکې د کارموندنې او خدماتو ته د لاس رسې موضوع گانې هم مهمې دي)). دا په داسې حال کې چې ډېر شمېر افغان کدوالو په دوه گاونډیو هېوادونو پاکستان او ایران کې دي، چې کله نا کله له ډېرو ستونزو سره مخ هم وي او ان داسې راپورونه هم خپاره شوي، له ایران څخه افغان کدوال د سورې جګړې ته هم لېږل کېږي، چې د کدوالو چارو وزیر هم دغه موضوع په یو ډول تایید کړه او زیاته یې کړه چې په سوریه کې یوازې افغانان نه بلکې د نورو هېوادونو وګړي هم ډېر دي.

د بلخي په خبره په ډېرو اسلامي هېوادونو کې روانې جګړې ډېرې پېچلې دي او زیاتوي چې حکومتونه هم په ډول جګړو کې د خپلو اتباعو د گډون له مخنیوي څخه ناتوانه کوي (سورې ته د کدوالو د لېږلو مسئله یوه پېچلې موضوع ده اوس وګورئ، چې په افغانستان کې د هر هېواد خلک جنګېږي خو څوک ملامت کړو، په سوریه کې هم همداسې ده له افغانانو پرته د نورو هېوادونو خلک هم ډېر دي)).

بلخي په ورته وخت کې زیاتوي ((افغان حکومت هم په دې اړه بې پروا نه دی او د بهرنیو چارو وزارت له ایران سره په دې اړه هم اړیکې نیولې دي خو د دې جګړو پېچلتیا او په کې د وګړو گډون دولتونه یوه اندازه ناتوانه کړي دي چې مدیریت یې کړي)).

دا په داسې حال کې ده چې په تېرو دوه کلونو کې شاوخوا دوه سوه او پنځوس زره افغانان د بې کاري له کبله اروپايي هېوادونو ته لاړل، چې له ډېرو ستونزو سره یو شمېر یې بېرته افغانستان ته راوېږدول شول خو گڼ نور یې لا هم په اروپا کې له یوه نامعلوم برخلیک سره مخ دي.



می‌گیرد اما به این وعده خود عمل نکرده و همیشه در خواب است. حمله بر شفاخانه چهار صد بستر که مکانی به شدت محافظت شده است در نوع خود بی‌پیشینه خواننده می‌شود. به گفته مقام‌های امنیتی در این حمله حدود ۵۰ نفر کشته و حدود ۱۰۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. اما نماینده‌گان آمار تلفات را به مراتب بالاتر از این می‌خوانند. دریافت‌های روزنامه ماندگار بنا بر گفته‌های شاهدان این رویداد نشان می‌دهد که در این حادثه، نزدیک به سه صد تن کشته شده‌اند.

زندانیان طالب اعدام شوند سناتوران در هم‌چنان می‌گویند که وزیر دفاع در این حمله غفلت کرده و باید به راکت بسته شود و برای تسکین درد خانواده‌های قربانیان این حادثه تمام زندانیان طالبان باید اعدام شوند. سناتوران در مجلس سنا از غفلت مسوولان و مقام‌های امنیتی در خصوص تأمین امنیت مردم افغانستان به شدت انتقاد می‌کنند. فرهاد سخی در نشست دیروز مجلس سنا گفت: از رییس‌جمهور می‌خواهیم که وزیران امنیتی را نسبت غفلت در وظایف شان باید برکنار کرده و برای انتقام‌گیری از طالبان مسلح، همه زندانیان این گروه را باید اعدام کند. جمعه دین گیان‌وال دیگر عضو سنا گفت: وزیر دفاع به دلیل این که همه وقت در خواب است باید همانند وزیر دفاع کوریای شمالی به راکت بسته شود چون نمی‌تواند امنیت کشور را تأمین کند. آقای گیان‌وال خاطر نشان کرد، وزیر دفاع وعده داده بود که در زمستان جاری تمامی مناطقی را که زیر اداره طالبان است، پس

فیسبوک نامه

ملک ستیز



نگرشی بر شعار: «ما شرکت سهامی نه، حکومت متخصص می‌سازیم»

شرکت سهامی نهادی است که شرکای گوناگون را برای رسیدن به یک «معامله» توسعه‌ی و اقتصادی سهیم می‌سازد. در این معامله پول، تجربه، ظرفیت تکنیکی، قدرت بازاریابی، چانه‌زنی و مراودات درونی و برونی، نقش اساسی بازی می‌کند. شرکت سهامی بر بنیاد «داد و گرفت» توسعه و رشد پیدا می‌کند. در این شرکت، شرکای تنبل و کم‌کار به حاشیه کشانیده می‌شوند و چهره‌های معامله‌گر، چالاک و دوراندیش جای‌گزین آنان می‌شود. در شرکت‌های سهامی مهم آن است تا هرچه زودتر هم‌فکران منافع اقتصادی را شناسایی کرده و به سرعت داخل معامله شوید. از این‌رو، پس‌منظر و درونمای اقتصادی و مدیریتی شرکت‌های سهامی بر بنیاد معاملات شکل می‌گیرند. قدرت‌های کلان مافیایی از این روش خیلی سود می‌برند و حتی شرکای تنبل و ضعیف را پس از استهلاک، نابود می‌سازند. چنین روشی در مافیای ایتالیا و روسیه خیلی رایج است.

حکومت متخصص، بیروکراسی نظام را در خدمت حرفه و اندوخته‌های تجربی قرار می‌دهد. در واقع درونما و پس‌منظر حکومت متخصص را دکترینی شکل می‌دهد که بر بنیاد حرفه و تجربیات متکی است. دولت‌های متخصص، با استفاده از دکترین حرفه‌ی خویش، شرکت‌های سهامی را در خدمت بیروکراسی نظام قرار می‌دهند. برای آنان دامنه‌ی معامله را باز می‌گذارند و از تولید و توسعه آن‌ها نفع می‌برند. یکی از ویژه‌گی‌های دولت متخصص را سازگاری سیاست، تخصص و سرمایه می‌سازد. این سازگاری عمر دولت‌های متخصص را طولانی و پایگاه‌شان را مشروع می‌سازد. فرق اساسی میان شرکت سهامی و حکومت متخصص در استفاده از منافع است. حکومت متخصص منافع را (از طریق سیاست حرفه‌ی و اداره عامه) به منابع شهروندان مبدل می‌سازد. درحالی‌که شرکت سهامی منافع را در چارچوب انحصار سرمایه محدود به خود می‌گرداند. حالا خود داوری کنید.

کمال‌الدین حامد



سال نو نودوشش مبارک

سال نو نودوشش مبارک و خدا کند سال فرخنده و پُر از سلامتی و موفقیت برای مردم عزیزمان باشد. روزها همه به لحاظ ذاتی به‌سان همدگر و جزء از نظام تکوین پروردگار می‌باشد و حکمت‌های این روند است که ما را می‌تواند کمک کند و برای ما درسی از انسانیت و معنای زنده‌گی باشد.

بزرگ‌ترین برآیند تغییرات شب و روز، سال و ماه و زمستان و بهار، نوعی توجیه به شناخت قدرت پروردگار و نظام تکوین او است، اما در کنار آن، درس‌های بزرگی برای انسان‌ها دارد. از درس خودآگاهی ذهنی تا آماده‌سازی یک چارچوب سازمان‌یافته برای فعالیت‌های روزمره انسان. آغاز بهار، بیدارگر انسان برای برنامه‌ریزی در قبال یک تحول تکوینی جدید است، ورنه همه روزها کهنه و نو می‌شوند تا روند کلی کاینات به پیش برود.

نوروز و امثال آن، بهانه‌هایی‌اند جهت جلب‌توجه انسان غافل و اندیشه مغفول که می‌تواند یک نواختی زنده‌گی برای انسان درآورد باشد. نوروز مبارک برای این‌که صاحب کاینات همان‌طوری که خود صاحب برکت است، فایض برکت نیز می‌باشد (تبارک الذی بیده الملک) و (اللهم بارک لنا فی رزقنا و عمرنا). نوروز را می‌توان به استقبال رفتن تا زنده‌گی نو به استقبال ما بیاید، برای این‌که بهار طبیعت، نوعی توجیه‌گر بهار زنده‌گی می‌باشد.

سال نوتان مبارک. امیدبرده می‌شود که ما گرفتار سرمازه‌گی فکری باقی‌مانیم و از بهار اندیشه خود، چمنی برای هم‌نوعان خود آماده کنیم. بهار نوتان تبریک. خدا کند احساس ما و شما مانند نوروز و بهار، شگوفه کند که درد درداران و ناداری ناداران را احساس و لمس کنیم.

نوروزتان خجسته باد. آرزو دارم نوروز آغاز زنده‌گی نوی برای شما به لحاظ مرور دوباره بر روند زنده‌گی و خاطرات‌تان باشد. نوروزتان میمون. از خدای یکتا میمنت بی‌پایان برای شما و برای تو عزیزان و عزیزم، تمنا می‌کنم.

فصل نو فرخنده‌باد، به فرخنده‌گی بهاران سبز و به زیبای اندیشه‌های نغز تا از این دگم‌اندیشی مزمز و سطحی‌نگری بی‌رویه نجات یابیم. بهار نو پُر برکت مردم زمستان‌دیده و سرماخوردۀ کشورم. رجمانم بتوانیم در گرو فتوادادن‌های مفرط محصور نگردیم و با چشم بصیرت، نوروز را مطالعه کنیم.

هشدار

اروپا و ناتو به اردوغان

در پی افزایش تنش‌های دیپلماتیک میان انقره و آمستردام به دلیل اجازه‌نشدن هالند برای ورود وزیر امور خارجه ترکیه به این کشور، اتحادیه اروپا به رییس‌جمهور ترکیه نسبت به سخنانی که به این تنش‌ها دامن می‌زند، هشدار داد.

رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه طی روزهای اخیر هلند را که یکی از اعضای ناتو محسوب می‌شود به انجام اقداماتی چون نازی‌ها متهم کرد؛ اقدامی که خشم این کشور را برانگیخت.

در این میان درحالی‌که این تنش‌ها می‌تواند به روابط نچندان سالم انقره و اتحادیه اروپا به‌ویژه پیش از همه‌پرسی ۱۶ آوریل این کشور آسیب برساند، بروکسل به ترکیه نسبت به خودداری از بدترکردن اوضاع هشدار داده است.

فدریکا موگرینی، رییس‌سیاست خارجه اتحادیه اروپا در اظهاراتی که ظاهراً در واکنش به بیانات اردوغان مطرح می‌شد، از ترکیه خواست تا از ایراد بیانه‌ها و انجام اقداماتی که می‌تواند منجر به تشدید اوضاع شود، خودداری کند.

موگرینی طی این اظهارات که از سوی یوهانس هان، کمیسیونر توسعه اتحادیه اروپا نیز تکرار شد، تأکید کرد: بسیار ضروری است تا از افزایش تنش‌ها خودداری و تلاش شود تا برای آرام‌کردن اوضاع راه‌حلی بیابیم.

اما عمر چلیک، وزیر اتحادیه اروپا ترکیه با واکنش هشدارآمیز تأکید کرد که انقره باید بخش کلیدی از توافق سال ۲۰۱۶ خود با اتحادیه اروپا بر سر کنترل موج مهاجران را مورد بازنگری قرار دهند.

چلیک در این باره گفت: ترکیه باید در سیاست‌های خود درباره جلوگیری از گسترش موج مهاجران نگاهی بیندازد در حالی که به طور قطع از سفرهای خطرناک و غیرقانونی دریایی به عنوان یک مسئولیت بشردوستانه جلوگیری خواهد کرد.

علاوه بر اتحادیه اروپا، پینس استولتنبرگ، دبیرکل ائتلاف ناتو نیز از ترکیه و سایر متحدان خواست تا نسبت به یک‌دیگر احترام دوجانبه نشان داده و با حفظ آرامش رویکردی را برای کاهش تنش‌ها اتخاذ کنند.

استولتنبرگ در این باره در جمع خبرنگاران گفت: ادامه مذاکرات و منازعات در قلب دموکراسی‌های ما جا دارد، اما همزمان رعایت احترام دوجانبه بسیار حایز اهمیت است.

او همچنین از هردو کشور ترکیه و هلند به عنوان متحدان ناتو خواست تا "بر هر چیزی که ما را متحد می‌کند و نه مسایلی که به تنش‌ها دامن می‌زند تمرکز کنیم."

ترامپ مجدداً به سیا اجازه انجام حملات پهپادی را داد

مقامات امریکایی اعلام کردند که رییس‌جمهوری این کشور به آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) اختیار جدید محرمانه‌ی را برای انجام حملات پهپادی در برابر تروریست‌های مظنون داده است.

این اقدام دونالد ترامپ، موجب تغییر سیاست دولت باراک اوباما، رییس‌جمهور سابق این کشور مبنی بر محدودکردن نقش شبه‌نظامی سازمان سیا و آغاز مجدد اختلافات شدید میان سازمان سیا و پنتاگون می‌شود.

این اختیار جدید که پیشتر افشانشده بود، بیان‌گر تغییر فاحش از یک رویکرد مشارکتی است که تا پایان دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما به یک اقدام استاندارد تبدیل شده بود. براساس این اقدام استاندارد، سازمان سیا از پهپادها و دیگر منابع اطلاعاتی برای مکان‌یابی تروریست‌های مظنون استفاده می‌کرد و سپس ارتش حملات واقعی را انجام می‌داد.

مقامات امریکایی گفتند: حمله پهپادی امریکا در ماه می ۲۰۱۶ که در آن ملا منصور، رهبر طالبان در پاکستان کشته شد، بهترین نمونه از این رویکرد ترکیبی بود.

دولت اوباما برای ارتقای شفاف‌سازی و مسوولیت‌پذیری، ارتش را مسوول انجام حملات تعیین کرده بود. سازمان سیا که تحت مأموران مخفی فعالیت دارد، ملزم نبود تا تعداد تروریست‌های مظنون یا غیرنظامیانی را که در حملات پهپادی می‌کشت، اعلام کند، اما پنتاگون باید علناً گزارشی را درخصوص حملات هوایی‌اش منتشر می‌کرد.

ترامپ پیشتر اعلام کرده بود که می‌خواهد مبارزات با داعش و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی را تسریع بخشد. مقامات امریکایی گفتند: سازمان سیا نخستین‌بار از این اختیار جدیدش در اواخر فبروری سال جاری میلادی در حمله به ابوالخیر المصری، یکی از رهبران القاعده در سوریه استفاده کرد.



اظهارات رونالدو درباره شیوه حفظ «سیکس پک» خود



مهاجم پرتغالی تیم فوتبال رئال مادرید شایعاتی که درباره شیوه حفظ عضلاتش وجود دارد را تکذیب کرد.

کریستیانو رونالدو در مراسمی برای معرفی فعالیت تجاری جدیدش، افتتاح باشگاه‌های بدن‌سازی زنجیره‌ی در مادرید، چیزهای جالبی درباره این‌که چگونه آماده‌گی جسمانی‌اش را حفظ می‌کند بیان کرد.

در روزهای که رونالدو در انگلیس برای منچستریونایتد توپ می‌زد، گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر این‌که رونالدو برای عضلاتی کردن شکم خود و حفظ «سیکس پک‌اش» روزانه ۳ هزار دراز و نشست انجام می‌دهد.

رونالدو با رد این موضوع گفت: این‌که من روزی ۳ هزار تا دراز و نشست انجام می‌دام حقیقت ندارد. من حتی مطمئن نیستم که هفته‌ی هزاربار هم این کار را انجام داده باشم. معمولاً سه یا چهاربار در هفته تمرین می‌کنم.

رونالدو ادامه داد: باشگاه بدن‌سازی مکان خوبی برای ملاقات با افراد مختلف است. من در باشگاه با افراد جالب زیادی آشنا شده‌ام. مهم‌ترین چیز برای داشتن بدنی ورزیده این است که تا جای ممکن تمرین کنید و با برای انجام تمریناتی هوش‌مندانه اشتیاق داشته باشید.

کوتنه:

لگزدن به بازیکن حریف تاکتیک نیست

سرمری تیم فوتبال چلسی از رویکرد بازیکنان منچستریونایتد در بازی برابر مردان او و تلاش‌شان برای کنترل ستاره ولزی آبی‌پوشان لندن انتقاد کرد و گفت، انتظار یک بازی سخت را در نیمه‌نهایی جام حذفی انگلیس دارد.

تیم فوتبال چلسی شب گذشته با تحمیل شکست یک بر صفر به منچستریونایتد در ورزشگاه استمفوردبریج، راهی مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی انگلیس شد.

به دنبال این بازی، کوتنه ابتدا از ستاره بلژیکی تیمش «ادن ازار» به خاطر شخصیت فوق‌العاده‌اش و تحمل ۲۵ دقیقه ضربات و تکل‌های بازیکنان منچستریونایتد در جو ملت‌هاب بازی تمجید کرد.

در این بازی که پیروزی در آن چلسی را در مرحله نیمه‌نهایی روبه‌رو تاتنهام قرار می‌دهد، ازار چندین‌بار در دقایق ابتدایی با خطاهای بازیکنان من یونایتد نقش بر زمین شد، به‌ویژه از سوی فیل جونز که مأمور مستقیم مهار او بود و همچنین آندر هررا، هافبک اسپانیایی شیاطین سرخ که به خاطر انجام دو تکل خشن در ۳۵ دقیقه نخست بازی دو کارت زرد گرفت و اخراج شد.

کوتنه از خطاهای بازیکنان چلسی روی ازار بسیار عصبانی بود و بارها در محوطه فنی‌اش به این مسأله اعتراض کرد و چندبار هم ناراضی‌اش را هم به اطلاع ژوزه مورینیو رساند که البته فایده‌ی نداشت. کوتنه در پایان بازی از ستاره بلژیکی تیمش به خاطر مداراکردن با بازی خشن شیاطین سرخ تمجید کرد.

کوتنه در پاسخ به این سؤال که آیا بازیکنان منچستریونایتد به عمد ازار را می‌زدند، تأکید کرد: نمی‌دانم، اما می‌دانم که چنین تاکتیکی، ضربه‌زدن به بازیکنان حریف، وجود ندارد. این به نظر من فوتبال نیست. من فکر نمی‌کنم که بتوان اسم این شیوه بازی را تاکتیک گذاشت. واقعیت همین است. همه دیدند. من فکر می‌کنم که گاهی اوقات زمانی که شما برابر بازیکنانی با استعداد بازی می‌کنید، تلاش دارید که آن بازیکنان را بترسانید. من فکر می‌کنم که داوران بیشتر باید مراقب چنین بازیکنانی باشند. چه اتفاقی می‌افتد اگر آنان دچار یک مصدومیت شدید شوند؟

کوتنه پیش‌بینی کرد که بازی بعدی تیمش در مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی انگلیس برابر تاتنهام هم یک بازی سخت باشد. او عنوان کرد: آن بازی هم یک مسابقه سخت دیگر برابر حریفی قوی خواهد بود. این فصل در بازی‌های رودرو یک بار ما پیروز شده‌ایم و یک بار آنها. بازی مهیجی برای ما و هواداران‌مان خواهد بود. قرعه جالبی است. در این مرحله تاتنهام، آرسنال یا منچسترسیتی حضور دارند و سطح رقابت‌ها بسیار بالا است. تاتنهام نشان داده که می‌تواند ما را شکست دهد اما ما هم نشان داده‌ایم که می‌توانیم شکست‌شان دهیم. باید بازی جالبی شود. این بازی برای هر دو تیم سخت خواهد بود.

Mandegar

وزارت تحصیلات عالی:

اعتبار سند دانشگاه‌های خصوصی و دولتی یکسان اند



وزارت تحصیلات عالی کشور، برای نخستین بار از توزیع سندهای معتبر آموزشی به صورت یکسان برای دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی خبر می‌دهد.

فیصل امین، سخنگوی وزارت تحصیلات عالی دیروز (سه شنبه، ۲۴ حوت) در نشست خبری مشترک با سخنگویان وزارت‌های معارف، اطلاعات و فرهنگ و امور زنان در کابل، از دست‌آورد یک‌ساله این وزارت گزارش ارائه کرد.

آقای امین گفت که وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۵ کارهای بنیادی را در بخش توزیع سندهای معتبر برای دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی، تعدیل بانک سوالات امتحان کانکور و تعدیل مقرره‌ها و لوائح این وزارت و هم‌چنان بررسی و نظارت از کارکرد موسسات تحصیلات عالی خصوصی و دانشگاه‌های خصوصی انجام داده است.

سخنگوی وزارت تحصیلات عالی می‌گوید که این وزارت توانسته است یک میلیون سند آموزشی را برای دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در کشور آلمان چاپ کند و این اسناد به‌زودی برای واجدان شرایط آن توزیع خواهد شد.

سخنگوی این وزارت می‌گوید که توزیع سندهای آموزشی معتبر برای نخستین بار در

به گفته او، وزارت تحصیلات عالی هر دانشگاه و موسسه تحصیلات عالی خصوصی، نهادهایی را موظف کرده است تا نحوه تدریس و کیفیت درسی را در آنجا به بررسی گیرند.

وزارت تحصیلات عالی در حالی از توزیع سندهای معتبر آموزشی در کشور خبر می‌دهد که پیش از این گفته می‌شد، تفاوت‌هایی میان سندهای آموزشی دانشگاه‌های دولتی و خصوصی وجود دارد.

کشور آلمان به چاپ شده و این سندها به تدریج از کشور جرمنی وارد افغانستان شده و توزیع می‌گردد.

آقای امین هم‌چنان از برگزاری دومین دور امتحانات کانکور در سال ۱۳۹۵ در ولایت کابل خبر داده گفت که در کانکور امسال ۴۳ هزار داوطلب از کابل اشتراک خواهند کرد. او می‌گوید که روند نظارت از کارکرد و کیفیت درسی در دانشگاه‌های خصوصی آغاز شده و این وزارت به شکل جدی از این روند نظارت می‌کند.



ده فرد وابسته

به شبکه حقانی کشته شدند

وزارت داخله کشور اعلام کرده که در نتیجه عملیات هوایی در روستای دره شینکی ولسوالی زیروک ولایت پکتیکا ۱۰ فرد وابسته به شبکه حقانی همراه با یک فرمانده آنان کشته شدند.

این وزارت با نشر خبرنامه‌ی گفته است که عصر دوشنبه، در حمله هوایی در روستای دره شینکی ولسوالی زیروک ولایت پکتیکا ده عضو شبکه حقانی به شمول یک فرمانده آنان به نام «عبدالله» کشته و دو تن دیگر مجروح گردیدند.

اما دفتر والی ولایت پکتیکا با نشر خبرنامه‌ی گفته است که در حمله هوایی بر مراسم فاتحه کرامت‌خان یک فرمانده شبکه حقانی در ولسوالی زیروک این ولایت ۲۹ تن از افراد گروه طالبان به شمول دو فرمانده شان هدف قرار گرفته و کشته شده‌اند.

دو سناتور ارشد امریکایی:

دست و پای ارتش‌مان را در افغانستان بسته‌ایم

جز در شرایط بسیار حاد حمله کند و این باعث برداشته شدن فشار از این شبه‌نظامیان و اجازه به بازسازی و حملات مجدد آنها شده بود. در حقیقت با وجود آنکه ما با داعش در سوریه و عراق می‌جنگیم اما مقام‌ها در افغانستان به حدی با محرومیت مواجه هستند که یک سال طول کشید تا نیروهای امریکایی نهایتاً اختیار حمله به شبه‌نظامیان این گروه در افغانستان را به دست بیاورند.

این دو سناتور جمهوری خواه امریکایی در ادامه مدعی شدند: ما وقتی به دنبال راهبرد شکست نخوردن هستیم مشاهده می‌کنیم که خطر علیه نیروهای امریکایی و افغان بدتر می‌شود و تهدید تروریستی تشدید می‌شود. طالبان خطرناک‌تر و مرگبارتر شده و کنترل اراضی خود را در افغانستان گسترش داده و تلفات سنگین به نیروهای افغان وارد می‌کند. در عین حال آنها طبق گزارش‌ها با کمک روسیه و ایران که چیزی بیش از شکست امریکا در افغانستان نمی‌خواهد این کار را انجام می‌دهند. القاعده و شبکه حقانی به تهدید منافع ما در افغانستان و فراتر از آن ادامه می‌دهند. داعش نیز به دنبال یک پناهگاه دیگر در افغانستان است تا از طریق آن بتواند به طراحی و اجرای حملات بپردازد.

مک کین و گراهام در انتها تصریح کردند: ماموریت امریکا در افغانستان در حال حاضر همان ماموریت سال ۲۰۰۱ است: پیشگیری از استفاده تروریست‌ها از این کشور برای حمله به سرزمین ما. ما به دنبال دستیابی به این هدف از طریق حمایت از دولت افغانستان و نهادهای امنیتی این کشور هستیم تا آنها بتوانند روی پای خود ایستاده و از کشورشان دفاع کرده و دشمن‌های تروریست مشترک ما را در ضمن کاهش کمک‌های امریکا در طول زمان شکست دهند. دستیابی به این هدف نیازمند تعداد درست نیروها در مکان‌های درست با مقام‌ها و قابلیت‌های درست است. ارزیابی‌های ما بر طبق گفت‌وگوهایمان با فرماندهان مستقر در میدان جنگ این بوده که راهبرد موفقیت در افغانستان نیازمند نیروهای امریکایی و ائتلاف بیشتر و مقام‌های منعطف تر است. این هدف همچنین نیازمند حمایت پایدار از نیروهای امنیتی افغانستان برای ایجاد قابلیت‌های کلیدی در آنها به ویژه قابلیت‌های تهاجمی مثل نیروهای عملیات ویژه و پشتیبانی هوایی لازم برای شکستن بن بست در افغانستان است.

جان مک کین و لیندسی گراهام، سناتورهای جمهوری‌خواه امریکایی در مقاله‌ی با عنوان "چرا به نیروهای امریکایی بیشتر برای پایان دادن به بن بست در افغانستان نیاز داریم" از افزایش تعداد نیروهای امریکایی در این کشور حمایت کرده‌اند.

گراهام و مک کین در مقاله‌ی که در واشنگتن پست منتشر کرده‌اند نوشتند: متأسفانه در سال‌های اخیر ما اقدام به بستن دست و پای ارتشمان در افغانستان کرده‌ایم. ما به جای تلاش برای پیروز شدن صرفاً به دنبال این بوده‌ایم که شکست نخوریم. ما هر چند وقت یک بار تعدادی از سربازانمان را خارج می‌کنیم در حالی که این طرح را بیشتر به لحاظ ملاحظات سیاسی انجام می‌دهیم تا شرایط موجود.

در ادامه این مقاله آمده است: اینکه ما به مدیریت سطح نیروها در افغانستان و همچنین در عراق و سوریه می‌پردازیم ظاهراً بیشتر بر شمارش نیرو تمرکز دارد تا سنجیدن موفقیت در میدان جنگ. در عین حال مقامات نیز با محدودیت‌های شدیدی روبرو هستند. تا تابستان گذشته ارتش ما نمی‌توانست به طالبان به



طالبان در هرات دست و پای

یک جوان را قطع کردند

طالبان در محضر عام دست و پای یک جوان را قطع کردند. این رویداد روز دوشنبه در ولسوالی اوبه هرات رخ داده است. جیلانی فرهاد، سخنگوی والی هرات گفته است، این جوان یک ماه پیش بدون هیچ اسنادی به اتهام دزدی از سوی طالبان بازداشت شد و پس از یک ماه حبس، روز گذشته در دادگاه صحرایی به قطع دست و پای چپ محکوم شد و حکم دادگاه همان ساعت اجرا گردید.

سخنگوی والی هرات می‌افزاید که دادگاه صحرایی این جوان در ۵ کیلومتری مرکز ولسوالی اوبه در یک منطقه کوهستانی برگزار شده است.

جیلانی فرهاد می‌گوید، وضعیت صحنی این جوان خوب است و نیروهای امنیتی در پی بازداشت عاملان این رویداد اند.

طالبان این رویداد را تأیید می‌کنند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان در تماسی به سلام‌وطندار می‌گوید، یک پسر به نام غلام‌فاروق، از باشندگان روستای تگاباری ولسوالی اوبه هرات به جرم دزدیدن موتر و موترسایکل از سوی این گروه بازداشت و در یک دادگاه صحرایی دست و پایش قطع شده است.